

## کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر در

### پیشگیری اجتماعی از جرم

رضا زهروی<sup>۱</sup> و زهرا قهرمانی<sup>۲</sup>

#### چکیده

**زمینه و هدف:** پیشگیری اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین رویکردهای پیشگیری غیرکیفری از جرم نضج پیدا کرده است. پیشگیری اجتماعی به دو شاخه پیشگیری جامعه‌مدار و پیشگیری رشدمدار تقسیم می‌شود. در پیشگیری جامعه‌مدار که از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شکل پیشگیری غیرکیفری است، اقدامات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی پیشگیرانه نسبت به محیط اجتماعی اعمال می‌شود و در پیشگیری اجتماعی رشدمدار، عوامل خطر گرایش افراد به ارتکاب جرم در نهادهای جامعه‌پذیری نخستین همانند خانواده، مدرسه و گروه همسالان شناسایی و ارزیابی شده است. در این مقاله تلاش شد نقش و کارکرد امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری اجتماعی از جرم، از منظر انواع پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار و رشدمدار بررسی شود.

**روش‌شناسی:** پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند.

**یافته‌ها و نتایج:** نتایج پژوهش بیانگر آن است که از میان مجموع تدابیر و راهبردهای نظام اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان تأسیس اجتماعی و حقوقی برآمده از بطن قواعد اسلام؛ از یک سو با مؤلفه فرهنگی و اجتماعی پیوند خورده و از سوی دیگر به دلیل غایت اصلی از آن که همانا جلوگیری از وقوع منکر و برقراری معروف است به مثابه سیستم پایش و پالایش محیط اجتماعی، می‌تواند نقش بی‌بدیلی در سلامت و حفاظت اجتماع ایفاء کند.

**کلیدواژه‌ها:** جرم، پیشگیری از جرم، پیشگیری اجتماعی از جرم، امر به معروف، نهی از منکر.

□ **استناد:** زهروی، رضا و قهرمانی، زهرا. (۱۳۹۸). کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری اجتماعی از جرم. *فصلنامه رهیافت پیشگیری*.

۲(۳)، صص ۱۰۹-۱۲۸.

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول). رایانامه: rezazahravi@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران. رایانامه: z.ghahremani5@gmail.com

## مقدمه

یکی از نهادهای بسیار مهم برخاسته از آموزه‌ها و تعالیم اسلام در حوزه جرم‌شناسی اسلامی به ویژه در زمینه جرم‌شناسی پیشگیرانه، نهاد امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر از فرائضی است که از منظر دینی هم جنبه فردی دارد و هم ابعاد اجتماعی و در بسیاری از موارد قسمت نخست آن (امر به معروف) به صورت همراه با قسمت دوم آن (نهی از منکر) استعمال و تأکید شده است. در واقع این نهاد، متشکل از دو بعد رفتاری است که اقتران عملی داشته و هدف مشترکی را که همان پالایش رفتار عمومی و تحکیم آن بر پایه ارزش‌های اجتماعی و اسلامی و عدم نقض این ارزش‌ها از طریق سیستم خود پالایشی و نظارت همگانی است؛ دنبال می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر در مقایسه با سایر آموزه‌ها، کارکرد و جایگاه منحصر به فردی دارد زیرا مصداق غیر قابل انکاری از بعد اجتماعی دین و نفی سکولاریزم را نمایان می‌سازد و دقیقاً به همین دلیل است که انتقادات سکولارها را در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و حقوقی، به سمت خود کشانده است. در واقع باید اذعان کرد که این مهم، چیزی فراتر از یک آموزه دینی تک بعدی است، زیرا نهادی مرکب و سیستمی محسوب می‌شود که دارای ابعاد مختلف است. همچنین این نهاد از سویی به عنوان یک تکلیف و واجب شرعی اجتماعی متوجه عموم مردم و شهروندان است. در واقع بدنه مردمی، بخش اصلی این نهاد را تشکیل می‌دهد که این امر نمودی از سیاست جنایی مشارکتی- اجتماعی است. این مشارکت مردمی هم به صورت جمعی غیر تشکیلاتی قابل تصور است و هم به صورت جمعی تشکیلاتی و از سوی دیگر متوجه دولت و نهادهای رسمی دولتی نیز می‌شود. این نهاد در تمام مراحل شکل‌گیری عمل مجرمانه (پیش از وقوع جرم- حین وقوع جرم- پس از وقوع جرم) حضور دارد. به عبارت دیگر، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک نهاد اجتماعی مرکب، طیف وسیعی از اقدامات و تدابیر پیشگیرانه را در بر می‌گیرد که در صورت نظام‌مندی و نهادینه شدن آن، نه تنها کاهش جرم و گناه را در فرایند اجتماعی به همراه دارد بلکه در سالم‌سازی جامعه نیز نقش مضاعفی را می‌تواند ایفاء می‌کند.

در پیشگیری جامعه‌مدار (محیط اجتماعی کلان) در قالب ماهیت و کارکرد اصلاحی ظهور و تجلی یافته و با رویکرد اصلاحی و توسعه‌ای که بن‌مایه اصلی پیشگیری اجتماع‌محور است، تعامل و پیوند دارد و در پیشگیری زودرس و رشدمدار از درگاه تعامل با نهادهای اصلی این گونه از پیشگیری، یعنی

خانواده و مدرسه با کارویژه تعلیمی و تربیتی و کارکرد جامعه‌پذیری و کنترلی و نظارتی قابل بررسی است. در این پژوهش سعی بر آن است که ابتدا جایگاه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک جزء و زیرمجموعه‌ای از نظام پیشگیری اجتماعی (به مثابه یک کل) تبیین شود و سپس کارکردهای آن در پیشگیری اجتماعی و شقوق اصلی این گونه از پیشگیری از جرم (جامعه‌مدار، رشدمدار) بررسی شود. بنابراین پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در نظام پیشگیری از جرم چیست؟ ۲. کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر به مثابه سازوکاری از الگو و مدل دینی پیشگیری اجتماعی از جرم کدام است؟ و ۳. جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در گونه و انواع پیشگیری اجتماعی (جامعه‌مدار- رشدمدار) از منظر کارکردی چیست؟

**پیشینه:** در ارتباط با موضوع پژوهش در میان منابع پژوهشی، دودسته از منابع وجود دارد، از یک سو مجموعه‌ای از کتب فقهی غنی که در خصوص امر به معروف و نهی از منکر، تعریف، شرایط، مراتب و شئون آن را به نحو فقهی بحث کرده‌اند و در کنار آن کتب روایی و احادیث که بر اهمیت و جایگاه این مهم تأکید کرده‌اند. از سوی دیگر در زمینه پیشگیری از جرم مجموعه‌ای از کتب جرم‌شناسی وجود دارد که به تبیین مبانی، مفاهیم و انواع تقسیمات پیشگیری از جرم و سازوکارهای آن پرداخته‌اند. در این میان دسته سوم قابل شناسایی است که به لحاظ حجم و غناء به فریگی منابع یادشده نیستند اما معدود پژوهش‌هایی هستند که به نحو تلفیقی به بیان موضوع و مسئله در این حوزه پرداخته‌اند. در میان پژوهش‌های از نوع دسته سوم، پژوهش‌های تلفیقی (جرم‌شناختی- فقهی) که بیشترین ارتباط و اشتراک را با موضوع تحقیق پیش رو دارند می‌توان به پژوهش آل طاهر (۱۳۷۷) با عنوان «نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از جرم»، کامیابی (۱۳۷۹) با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در پیشگیری از جرم»، رشاتی و زعفری (۱۳۸۸) با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر و نقش پیشگیرانه آنها در وقوع جرم»، فارغی و باقری (۱۳۹۰) با عنوان «نقش امر به معروف و نهی از منکر در وقوع جرم در جامعه»، ساعد (۱۳۸۶) با عنوان «تأملی بر کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر از منظر جرم‌شناسی پیشگیرانه»، تقی‌پور (۱۳۷۶) با عنوان «جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی ایران»، حاجی‌ده‌آبادی (۱۳۸۳) با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی»، رستمی (۱۳۸۶) با عنوان «سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران» و تالیف رشادتی (۱۳۸۷) با عنوان «پیشگیری از جرم در قرآن کریم» اشاره کرد.

**مبانی نظری:** پیشگیری در اصطلاح جرم‌شناسی، عبارت است از «به جلوی تبه‌کاری رفتن» و با استفاده از فنون گوناگون مداخله، از وقوع بزه‌کاری ممانعت به عمل آورد. اگر پیشگیری از تبه‌کاری متضمن «آگاهی دادن» از چیزی است، به طور انحصاری به عنوان یکی از فنون ممکن مداخله است (اکبری، ۱۳۸۰، ص ۵۴). پیشگیری اجتماعی از جرم عبارت است از «مجموعه تدابیر و اقداماتی که برای حذف یا کاهش علل و موجبات اولیه اجتماعی جرم و آن دسته از عواملی است که در تکوین جرم مؤثر است». مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم، پیشگیری اجتماعی را «هر چیزی که بزه‌کاری، خشونت و ناامنی را از طریق هدف‌گیری موفقیت‌آمیز علل شناخته شده جرم از طریق عملی، کاهش می‌دهد» تعریف کرده است (شاطری پور، ۱۳۸۸). در بند الف ماده ۱ لایحه پیشگیری از جرم مصوب مجلس در سال ۱۳۸۸، پیشگیری اجتماعی از جرم به عنوان یکی از اشکال پیشگیری، «تدابیر و روش‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دولت، نهادها و سازمان‌های غیردولتی و مردمی در زمینه سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم» تعریف شده است. با توجه به نگرش‌های متفاوت نسبت به عوامل اجتماعی جرم، تقسیم‌بندی‌های مختلفی از پیشگیری اجتماعی ارائه شده است. از یک نظر، پیشگیری اجتماعی از جرم به پنج زمینه تقسیم شده است: پیشگیری اوان کودکی یا پیشگیری رشدمدار، پیشگیری از طریق رویکرد توسعه اجتماعی، پیشگیری از طریق تمرکز بر نهادها، پیشگیری از طریق انحراف مسیر بزه‌کاری گروه‌های در معرض خطر و پیشگیری از طریق ارزش‌های اجتماعی توسط رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب (محمدنسل، ۱۳۸۷، ص ۵۴).

نظریه‌های کنترل، فرض را بر این قرار می‌دهد که رفتار افراد، رفتاری ضد اجتماعی خواهد بود؛ مگر اینکه دیگران، آنها را برای ترک آن هدایت کنند. افزون بر این، در تبیین‌های کنترل ادعا می‌شود که برخی افراد، هیچ‌گاه با دیگرانی که قادرند این نقش را در زمینه کنترل رفتار آنان ایفاء کنند، پیوندی برقرار نمی‌سازند و از این رو، هیچ‌گاه کنترل‌های لازم را برای مهار رفتارهای ضد اجتماعی، در خود درونی نمی‌کنند. بدین گونه به نظر می‌رسد که می‌توان پرسش اصلی در این دسته تبیین‌ها را آن دانست که «چرا مردم هم‌نواپی می‌کنند؟ بر همین اساس می‌توان دید که در این تبیین‌ها، برخلاف تبیین‌های دیگر، تمایلی به یافتن انگیزه‌ها و علل رفتار کج‌روانه وجود ندارد؛ و بیشتر به موقعیتی توجه می‌شود که در آن، افراد برای انجام این گونه رفتارها، آزادی بیشتری به دست می‌آورند. به بیان دیگر، این نحوه تبیین، وقوع کج‌روی را بر

حسب وجود ضعف در فرایند کنترل اجتماعی در جامعه و ناکارآمدی آن در هر دو بعد درونی و بیرونی تبیین می‌کند؛ و مدعی است که هنگامی که کنترل اجتماعی به اندازه کافی قوت داشته باشد، از وقوع کج روی جلوگیری می‌شود. اما زمانی که کنترل‌های داخلی یا خارجی ضعیف بوده، یا از هم پاشیده باشد، رفتار کج‌روانه ظاهر می‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۳۹۰).

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در فرایند کنترل اجتماعی: امر به معروف و نهی از منکر، از یک منظر (عام و موسع) ناظر به هر دو فرایند «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی» است. اگرچه در تفسیری مضیق، برخی آن را فقط در زمره سازوکارهای کنترل اجتماعی قرار داده‌اند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۳، ص ۹۷). نهی از منکر فرایندی است که طی آن جامعه یا گروهی از افراد، با رفتارهای نابهنجار و کج‌روانه مقابله کرده و تلاش می‌کنند از این منکرات جلوگیری کرده و آنها را به سوی هنجارهای دینی سوق دهند. به این ترتیب، معنای مفهومی نهی از منکر در یک جامعه دینی معادل «کنترل اجتماعی» در تبیین‌های اجتماعی است. در ادبیات روایی، نهی از منکر، برای افراد نابخرد که گرایش به انحراف در آنان زیاد است، وسیله کنترل قوی محسوب می‌شود. در کلامی از امیرالمومنین علیه‌السلام، در بیان علت وضع و تشریح احکام، نهی از منکر به عنوان عامل ردع سفیهان معرفی شده است: «فرض الله نهی عن المنکر ردعا للسفهاء» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲).

امر به معروف و نهی از منکر به مثابه سازه کنترل رسمی: کنترل اجتماعی رسمی را در برگیرنده تلاش‌ها و اقداماتی برمی‌شمرند که منابع اقتدار، آن را برای مقابله با وقوع جرم و کج‌روی در جامعه عهده‌دار می‌شوند؛ اقداماتی که به سبب متکی بودن بر ضمانت‌های اجرایی دولتی و حکومتی (قدرت)، از یک سو بیشتر از ویژگی قهر و اجبار برخوردار می‌شود؛ و از سوی دیگر نیز گستره خود را بیشتر به گونه‌هایی خاص از هنجارهای اجتماعی (یعنی هنجارهای رسمی یا همان هنجارهای متکی بر ضمانت‌های اجرایی حکومتی) محدود می‌بیند که هر دو جنبه در امر به معروف قابل فرض است. آن هم بدین سبب که در بسیاری موارد فقط آن دسته هنجارها و الگوهایی که از پشتوانه نظام باورها و ارزش‌های سنتی، اخلاقی، عرفی و مانند آن برخوردار نیست، نیازمند اتکاء بر ضمانت‌های اجرایی حکومتی به حساب می‌آید (صدیقی اورعی، بی‌تا، ص ۱۴). این نوع کنترل از یک سو وجه ممیزه گروه‌های دومین به حساب آید. با این استدلال که تنظیم مناسبات اجتماعی در این گروه‌ها، بیشتر متکی بر هنجارها و الگوهای رفتاری رسمی و از پیش تعریف

شده است؛ و کنترل رفتار نیز گاهی از طریق قوانین و قواعد و مقررات به اجرا در می‌آید. از سوی دیگر هم غلبه این نوع سازوکار کنترل اجتماعی، از جمله ویژگی‌های آشکار جوامع امروز قلمداد شود. آن هم با این توضیح که هم زمان با گسترده‌تر و پیچیده‌تر شدن جوامع، وظیفه اجرای فرایند کنترل اجتماعی به تدریج از منابع اقتدار سنتی به مؤسسات و کارگزاران دولتی از حکومت‌های محلی گرفته تا حکومت ملی (دولت) انتقال می‌یابد و مراحل نهایی این انتقال هم در جوامع یادشده متجلی می‌شود. جوامعی که در آنها، تقسیم کار افزون‌تر و پیچیده‌تر است و جمعیت نیز شکلی متراکم‌تر و متجانس‌تر به خود گرفته است (روسک و وارن، ۱۳۶۹، ص ۲۳۳).

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری جامعه‌مدار (توسعه‌محور) از منظر کارکرد اصلاحی: پیشگیری جامعه‌مدار (پیشگیری کلاسیک) به عنوان یکی از گونه‌های رایج پیشگیری اجتماعی مطرح است. در هر رویکرد پیشگیرانه باید هم‌زمان سه بعد «نوع جرم»، «مجرم» و «محیط زیست مجرم و تکوین جرم» بررسی شود تا برنامه‌ها به هدف و غایت نهایی که همان اصلاح مجرم و در نهایت اصلاح جامعه است، نائل آید (شرافتی پور و عبدی، ۱۳۸۶، ص ۹۵). بر این اساس چنانچه امر به معروف و نهی از منکر نیز بخواهد در قالب این نوع از پیشگیری از جرم بروز و ظهور یابد، باید هر یک از ابعاد سه‌گانه یادشده به نحوی در آن محقق شود. مرکز اصلی و هسته مرکزی خط‌مشی‌های بلندمدت پیشگیری از جرم باید شامل تمهید حمایت‌هایی به ویژه از خانواده شود که در نهی از منکر نیز باید در قالب امر به معروف درون خانواده و در سطح اجتماعی به عنوان امر به معروف برون خانواده قابل تحقق است و البته این حمایت ممکن است شامل طیف وسیعی از برنامه‌ها و ابتکارهای افراد جامعه باشد. در این راهبرد پیشگیری، به اهمیت دو عامل پی برده شده است: اولین عامل آن است که اجتماع و هسته‌های اولیه آن - و نه خبرگان و دولت - دارای توان مولدی شوند که برای مدیریت اقدامات، ابتکارها و خلاقیت‌های پیشگیری پایدار بر مبنای اجتماع، ضروری است. عامل دوم، این است که بیشتر مشکلات برای توسعه انسانی ناشی از عوامل چندگانه و به هم پیچیده یا محرومیت است. بر همین اساس، چون افراد مطابق با شرایط محیطی حاکم شکل گرفته‌اند، راهبردهای پیشگیری از بزهکاری نیز باید کلیت این محیط - و نه فقط جزئی از آن را - مورد توجه قرار دهند.

برخی بر این باورند که موفق‌ترین برنامه‌های پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی برای ایجاد

دگرگونی در این مسیر، برنامه‌هایی هستند که اقشار آسیب‌پذیر را در سیبل هدف‌گذاری خود قرار می‌دهند. ساماندهی «رویکرد» برنامه‌های پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی، امری ضروری است تا توانایی لازم برای تهیه و تدارک راهکارهای متعدد و متنوع، جهت مقابله با مشکلات و آسیب‌ها، به دست آید. با وجود این، باید با بکارگیری و برانگیختن توان اجتماع جامعه عمل پوشیده شود زیرا این برنامه‌ها متکفل پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی هستند (غلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۳). به نظر می‌رسد یکی از نشانه‌های پیشرفت جوامع، آن است که موضوع پیشگیری از جرم در دستور کار متولیان امر سیاست‌گذاری، قرار گیرد که یکی از طرق تحقق ایده توسعه و تعیین شاخص‌های کاربردی برای نهی از منکر اجتماعی و مسئولیت متولیان امر به معروف است تا از کارهای کلی، پرهیز کرده و بتوان ارزیابی دقیق و حساب شده‌ای را برای مؤاخذة حقوقی ایشان در قبال کوتاهی‌ها و تقصیرات احتمالی از طریق نهادهای قضایی و نظارتی انجام داد. این موضوع از چند جهت و در چند سطح قابل بررسی است: اول اینکه، پیشگیری از جرم بیانگر ثبات و استقرار وضعیت جامعه است؛ چه آنکه نگاه پیشگیری از جرم ناظر به آینده است و به دنبال بهبود وضعیت زندگی افراد جامعه و ارتقاء امنیت جامعه است که به نوبه خود، نشانگر آن است که مدیران آن اجتماع علاوه بر اداره امور جاری و فعلی، به فکر اداره وضعیت آینده هستند. در واقع لازمه نگاه به آینده، ثبات و استقرار حال کنونی جامعه است. بدون تسلط به وضع موجود نمی‌توان به فکر آینده بود. دوم آنکه، پیشگیری از جرم نیاز به کار جمعی و گروهی دارد. کار جمعی، موجب هم‌افزایی، تضارب افکار و تصمیم بهتر و سنجیده‌تر می‌شود؛ چه اینکه متولیان امر، به جای آنکه هر یک جداگانه و به صورت جزیره‌ای به فعالیت بپردازند، به جایگاه و نسبت فعالیت خود در کل نظام اجتماعی آگاه بوده و مصالح عامه را بر اقدامات فردی و تک‌نهادی ترجیح می‌دهند. لازمه پیوستن به کار جمعی برای هر نهاد و دستگاه و گروه (اعم از دولتی و مردمی) آن است که از یک سو، در برنامه‌ریزی و مدیریت مجموعه (خود)، دارای انعطاف بوده و نسبت به پذیرش دیدگاه‌های مخالف سعه صدر داشته باشند و از سوی دیگر مسئولیت‌پذیر بوده و نواقص یا کاستی‌های کاری خود را پذیرفته و برای رفع آن تدبیر کنند. مسئولیت‌پذیری خود بیانگر تسلط مدیران بر اداره امور است. سوم آنکه، هرچه موضوع پیشگیری از جرائم، به سمت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نیل یابد؛ نشان دیگری از پیشرفته بودن آن جامعه است، چه آنکه ارتکاب جرم وضعیت نامناسب‌تر و واکنش شدیدتری نسبت به آسیب‌های اجتماعی دارد و هر سه مطلب یادشده در

قالب نهی از منکر قابل فرض و تحقق عینی است، به خصوص در جوامع مبتنی بر فقه امامیه که نهی از منکر تا بالاترین مقام جامعه و رهبر را نیز شامل شده و مصادیق عینی آن در پاره‌ای از گستره تاریخی اسلام و انقلاب بروز کرد اما به دلیل فقدان شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و کلی‌گویی و کلی‌کاری‌های نهادهای متولی امر به معروف و نهی از منکر، این رویه تعمیق نشد بلکه برعکس نادر و سطحی و گاهی فراموش شده به نظر می‌رسد. قرار گرفتن فرد در آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌تواند وی را در موقعیت ارتکاب جرم در آینده قرار دهد. اما در پیشگیری اجتماعی، پذیرش هنجارهای جامعه توسط افراد و برنامه‌ریزی برای جامعه‌پذیری، نظم و افزایش بهره‌وری سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و از همه مهم‌تر سرمایه انسانی مورد توجه و هدف است. بنابراین این رویکرد پیشگیری، به فردای جامعه می‌اندیشد، حال هرچه در برنامه‌ریزی‌ها و هدف‌گذاری‌ها به گروه‌های سنی پایین‌تر و آسیب‌پذیرتر تمرکز شود و هر چه از کنترل عوامل خطر به حوزه عوامل حمایتی گرایش یافته شود، پیشرفت جامعه دست‌یافتنی‌تر خواهد بود. باید گفت در یک نگاه، تلفیقی از واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی وجود دارد، از یک سو باید به مدیریت و کنترل وضعیت موجود پرداخت و از سوی دیگر با امکانات واقعی (فعلی) و تدبیر و برنامه‌ریزی به فکر فردا و آتیه جامعه بود.

## روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مطالب جمع‌آوری شدند.

## یافته‌ها

کارکردهای فرهنگی و هویتی امر به معروف و نهی از منکر در تعامل با پیشگیری اجتماعی: فرهنگ، نظام الگودار و سامان‌مندی از نمادهاست که اهداف و جهت‌گیری کنشگران را مشخص می‌کند و الگوهای نهادمند نظام اجتماعی را شکل می‌دهد. نظام فرهنگی، بسیار نمادین و ذهنی است و به آسانی از یک نظام اجتماعی به نظام دیگر انتقال می‌یابد و عناصر نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد. همین ویژگی، سبب نظارت بر نظام‌های دیگر می‌شود و از آنجا که نظام فرهنگی با یک نظام اخلاقی ارائه می‌شود، شگردهای یکپارچه‌کننده و حاکم بر دیگر نظام‌های کنش هم به حساب می‌آید. نماد، ابزار ارتباطی است



و معانی اجتماعی را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده، زمینه‌های مناسب را برای انتقال و تداوم ارزش‌ها و باورداشت در فرهنگ به وجود می‌آورد (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۳۲۵).

اگر دین را مجموعه‌ای بدانیم که دارای نمادهای مقدس است، بخش بارزی از اعمال و باورهای دینی به نوعی نماد و دارای جلوه‌ای نمادین است. امر به معروف و نهی از منکر، هم به عنوان یک باور و نیز به عنوان عمل و مناسک دینی، می‌تواند یک نماد تلقی شود. در ادبیات قرآنی و روایی، واژه شعائر معادل معنایی برای مفهوم نماد محسوب می‌شود (قریشی، ۱۳۷۷، ص ۴۴). همچنین امر به معروف و نهی از منکر دارای کارکرد هویتی نیز هست. هویت، در یک تعریف روند ساخته شدن معنا براساس یک ویژگی یا یک دسته از ویژگی‌های فرهنگی است که بر منابع دیگر برتری دارند. هویت‌ها همواره تولید و باز تولید می‌شوند (قبادی، ۱۳۹۱، ص ۸۳). بی‌شک، برخی از اعمال و باورهای دینی به دلیل مقتضای وجودی و به جهت همیشگی و مستمر بودن تحقق آنها در ساحت فردی و اجتماعی جزئی از سنت‌ها و آداب رسوم یک جامعه دینی می‌شوند. امر به معروف و نهی از منکر از جمله همین احکام است. امر به معروف و نهی از منکر؛ خود به عنوان یک سنت دینی، جزئی از سنت‌های اجتماعی (البته در جوامع اسلامی) به شمار می‌آید و این قابلیت را دارد که الگوها، ارزش‌ها، باورها، و هنجارهای فرهنگی را در خود نگه دارد و به اقتضای شرایط به کنشگران منتقل کند. امر به معروف و نهی از منکر، هم به عنوان یک باور و عقیده و هم عمل و رفتار، جزئی از هویت فردی و نیز هویت جمعی یک اجتماع اسلامی است. در متون روایی، احادیثی روایتگر این مدعا است که امر به معروف و نهی از منکر جزئی از هویت فرد است به طوری که اگر این خصیصه در فرد مسلمان نباشد، نه تنها هویت دینی و ایمانی از او سلب می‌شود بلکه هویت انسانی او نابود خواهد شد. امیرالمومنین علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: افرادی که نه با قلب و زبان و دست خود معروف را امر و منکر را نهی و منع نکنند، مرده‌ای در بین زندگان هستند (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۳). از حیث منطقی و تنقیح مناط قطعی می‌توان نتیجه گرفت در عرصه اجتماعی نیز روح امر به معروف و نهی از منکر، حیات جمعی را زنده نگه می‌دارد و بنابراین اقامه این مهم، جزئی از هویت جمعی چنین جامعه‌ای خواهد بود.

کارکرد امر به معروف و نهی از منکر در تعامل با نهاد خانواده: تربیت اجتماعی در رویکرد اسلامی، دارای ماهیتی فطری و تابع نیازهای طبیعی، انسانی، درونی، خودانگیخته و گزینشی، آمیزه‌ای از فرد

و اجتماع، عمومی و فراگیر و در نهایت از همه مهمتر، مبتنی بر محور توحیدی است. به نظر می‌رسد اصطلاح جریان اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری ترجمان جامعه‌شناختی مفهوم تربیت اجتماعی است که یکی از مهم‌ترین ابعاد و انواع تربیت افراد است. در میان انواع تربیت، تربیت اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا تربیت فرایندی است مستمر که در بستر جامعه صورت می‌گیرد، بعد تربیت اجتماعی به لحاظ گستردگی، جامعیت و پیچیدگی پوشش دهنده تمام نهادهای اجتماعی تربیتی مشرف بر امر تعلیم و تربیت است، به طوری که از یک سو، رشد شخصیت فردی و از جهت دیگر انتقال میراث فرهنگی را در بر دارد (سبحانی‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۱۳). تربیت اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی به معنای سازگار شدن افراد با معیارهای مدنظر جامعه است تا بتواند در فعالیت‌های جامعه شرکت کنند. از جمع‌بندی تعاریف علمای جامعه‌شناس در باب تربیت اجتماعی می‌توان گفت تربیت اجتماعی جریانی است که طی آن نظام تربیتی حاکم بر جامعه هنجارها، مهارت‌ها، الگوها، قواعد مورد نیاز افراد جامعه و روابط فرد را شکل می‌دهد، تا افراد بتوانند براساس آموخته‌های خود، ایفای نقش کنند. «تربیت اجتماعی، آشنایی با مفاهیم مختلف زندگی گروهی و مزایا و محدودیت‌های زندگی اجتماعی و شناخت گروه‌های اجتماعی (خانواده، امت اسلامی، جامعه بشری) و ارزش‌ها و معیارها و قوانین حاکم بر آنهاست» (شکوهی، ۱۳۶۸، ص ۴۷). بر این اساس امر به معروف و نهی از منکر نیز می‌تواند به لحاظ غایت و هدف، زمینه تربیت اجتماعی را به نحوی فراهم کند که فقط به دنبال هم‌سازی و هم‌نوایی افراد با ارزش‌های حاکم بر جامعه نیست، بلکه هم‌نوایی به عنوان اثر ضمنی و کارکرد پنهان در مسیر تربیت اجتماعی، بروز و تحقق می‌یابد.

نهاد خانواده به عنوان یک محیط اجتماعی خرد در پیشگیری اجتماعی، و عامل (خطر یا حمایتی) در پیشگیری رشدمدار مدنظر است؛ از طرف دیگر از رهگذر امر به معروف و نهی از منکر، خانواده به عنوان محل بروز جریان امر و نهی و بکارگیری این سازه و نیز اعضای خانواده (والدین-فرزندان، زن و شوهر) به عنوان عامل انسانی و کارگزار این حکم دینی، مطرح می‌شود. آنچه در بررسی کارکردهای مختلف خانواده باید توجه شود، عملکرد خانواده به عنوان یک سیستم است. این سیستم خود دارای سیستم‌های فرعی است، هر یک از اعضای خانواده در درون هر سیستم فرعی خانوادگی رابطه والد-کودک، خواهر، برادر، زن و شوهر را شکل می‌دهد (مهدوی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴). کارکرد خانواده به عنوان یک سیستم موجب می‌شود که هرگونه تغییری که در عملکرد هر یک از اجزاء داده شود بر حسن کارکرد سایر اجزاء نیز مؤثر بوده و

سیستم‌های فرعی خانوادگی بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته باشند. بهترین زمان برای تربیت اجتماعی نیز، دوران کودکی است. زیرا این دوران زمان و فرصت مناسب برای انواع یادگیری‌های اجتماعی و روند اجتماعی شدن است. تعلیم و آموزش، خواه به عنوان عمل مستقل و خواه به عنوان یکی از روش‌های تربیتی، یکی از مهمترین کارکردهای خانواده و از وظایف اصلی والدین است؛ تعلیم در تعامل با یادگیری است. یکی از روش‌های تربیتی، روش الگویی است که از آن با عناوین الگوسازی، اسوه‌سازی، الگوگیری یاد می‌شود (رمضانی و حیدری، ۱۳۹۱، ص ۴-۶).

هرچند روش الگویی به عنوان سازوکار فراگیر در تمامی مقاطع هدایت انسانی مورد استفاده است، استفاده اولین این الگو از همان اوان کودکی، دیده می‌شود. روش الگویی از طریق تقلید و تکرار به عنوان یگانه روش یادگیری و نیز تعلیم در سال‌های اولیه حیات کودک بروز می‌یابد، پایه و اساس شکل‌گیری شخصیت کودک خاصه در دوره هفت ساله اول از طریق روش الگویی بنیان می‌گیرد. تقلید و الگوگیری بنیان یادگیری در این دوران است و شاکله اصلی شخصیت کودک را سامان می‌دهد (ملکوتی فر، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱). کودک از زمانی که به دنیا می‌آید، والدین اولین افرادی هستند که در اطراف خود می‌بیند و با آنها ارتباط برقرار می‌کند، کودکان با مشاهده رفتار دیگران به الگوگیری و تقلید و تکرار عمل مبادرت می‌ورزد، بنابراین والدین به عنوان الگو و سرمشق اولیه کودک هستند. والدین به عنوان الگوی عینی و نخستین، مستقیم در معرض دید و مشاهده و الگوبرداری از طرف کودکان خود، باید به نحو غیرمستقیم و ضمنی در مسیر انتقال معروف‌ها و ارزش و هنجارها ظاهر شوند. در واقع در دوره هفت ساله اول (مرحله سنی اولیه تربیتی)، روش انتقال مفاهیم از طریق بازی و ارائه مدل و الگوی عینی عمل رفتاری به کودک است و امر و نهی مستقیم محل تأثیر در این مرحله سنی نخواهد بود (مفیدی، ۱۳۷۲، ص ۵۷).

روش ایجاد عبرت و عبرت‌آموزی یا عبرت‌گیری نیز به عنوان یکی از مصادیق مهم امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت، یکی از روش‌های مهم تربیتی در مسیر هدایت انسان است که به نوعی مرتبط با روش الگویی است که به عنوان مدل و نمونه تربیتی قرآنی در فرایند تربیت، ارائه شده است. عبرت‌گیری یا عبرت‌پذیری، سازوکاری است که مؤثر در تربیت و هدایت توده‌های افراد از جمله کودکان و نوجوانان است. عبرت، حالتی است که در اثر برخورد با اموری ظاهری و مشهود، برای انسان پدید می‌آید و به معرفتی باطنی و غیرمشهود منتهی می‌شود. این حالت نفسانی، از ناحیه و جهت عامل ایجاد کننده آن،

روش و سبک تلقی می‌شود که گاهی به نحوی توسط خود فرد با مشاهده و آشنایی با مورد عبرت، به این حالت دست می‌یابد که در این صورت عبرت یک روش خود تربیتی است و گاه، دیگران زمینه‌ها و مقدمات به وجود آمدن عبرت را فراهم می‌کنند (قائمی مقدم و عبرت، ۱۳۸۰، ص ۲۲-۲۵). در ادبیات قرآنی با عبارات متعدد و متنوع به مسئله عبرت‌گیری از سرگذشت و عاقبت نیک صالحان و الگوگیری از روش و منش زندگی اجتماعی آنها و تعمق در علل شقاوت بدکاران و پرهیز از تقلید و اتباع غلط از آن‌ها اشاره و تأکید دارد. قرآن کریم در ارائه روش عبرتی یا با گزاره‌های مستقیم و بیشتر در شکل داستان و بیان شاهد مثال، استفاده کرده است (سوره یوسف، آیه ۱۱۱ و سوره نازعات، آیه ۲۶).

همچنان در متون روایی از جمله برادر قرآن، نهج البلاغه، معرف روش عبرت‌گیری و عبرت‌آموزی و تأکید بر آن به وضوح دیده می‌شود (نهج البلاغه، خطبه‌های ۱۰۳؛ ۱۵۷؛ ۱۶۱؛ ۱۹۲ و حکمت ۲۰۸، ص ۳۶۷): عبرت‌گیری به عنوان یک شیوه عمل در مسیر هدایت و تربیت، قطعاً مصداقی از امر به معروف و نهی از منکر است و ابعاد وسیع و گسترده‌ای دارد. مورد عبرت می‌تواند، امور طبیعی و مخلوقات به عنوان آیت الهی و یا سرگذشت و طریق رفتاری و سبک زندگی یک فرد و یا سرگذشت و سرنوشت یک اجتماع انسانی باشد.

روش تشویق و تنبیه نیز آداب و سازوکاری برای برانگیختگی و بازدارندگی به منظور شکوفا شدن استعدادها و انسان برای کمال مطلوب انسانی است. تشویق و تنبیه هم به عنوان عامل انگیزشی برای ایجاد رفتار مورد نظر یا طرد و عدم انجام، و نیز حسب روش برخورد و واکنش برای جلوگیری از تکرار عمل (نامطلوب و منکر) و یا تکرار و تداوم عمل مطلوب (معروف) مطرح است. «بشارت و انداز یا تشویق و تهدید، بخش مهمی از انگیزه‌های تربیتی و حرکت‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد، آدمی هم باید در برابر انجام کار نیک تشویق شود، و هم در برابر کار بد کیفر ببیند، تا آمادگی بیشتری برای پیمودن مسیر اول و گام نگذاردن در مسیر دوم پیدا کند» (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۱). نظارت و کنترل، یکی دیگر از ابعاد تربیت اجتماعی است که ضامن بقاء و تحقق اهداف جامعه است و خلاء ناشی از نبود این فرایند، می‌تواند ضررهای جبران‌ناپذیری را بر آن وارد کند. بین دو مقوله پیشگیری و کنترل، پیوند محکمی وجود دارد، به طوری که بعضی اصطلاح «کنترل پیشگیری» را در این رابطه بکار می‌برند و در تعریف بیان شده «پیشگیری، به کنترلی اطلاق می‌شود که قبل از وقوع اتفاق، صورت می‌گیرد و از انحراف و تباهی

جلوگیری می‌کند» (قاسمی روشن و توانمندی، ۱۳۸۱، ص ۱۷).

خانواده به عنوان متولی اولیه و اصلی تربیت افراد خاصه کودکان و نوجوانان، علاوه بر نقش تکوینی خود باید در مسیر و فرایند تربیت از طریق بکارگیری اهرم کنترل و نظارت، زمام امور را به دست گیرد تا به دور از نظارت ایشان، در معرض آسیب‌ها و انحرافات قرار نگیرند؛ نقش خانواده و نحوه عملکرد آن در تکوین نظام شخصیتی (فردی، اجتماعی) کودک و نوجوان در فرایند تعلیم و تربیت، به عنوان عامل نظارت و کنترل نزدیک و مستقیم به نسبت سایر عوامل کنترل پرننگ تر می‌نماید (سلطانی‌فر، ۱۳۸۷، ص ۹۱). در به کارگیری شیوه و روش نظارت و کنترل، آنچه باید مدنظر والدین باشد اصل اعتدال و میانه‌روی است، اعمال کنترل و نظارت معتدل نه تساهل و نه کنترل شدید و خشن و غلیظ نظارت و کنترل بزه و انحراف از طریق تغییر موقعیت‌ها و فرصت‌های مجرمانه، بعد دیگری است که این نهاد برعهده دارد، نهادی مقدس که خاستگاه انسان به سوی سعادت و کمال است و اگر دچار معضلات و آسیب شود، انسان را به سمت شقاوت، انحراف و سقوط رهنمون خواهد شد (طالبان، ۱۳۸۰، ص ۳۸).

نحوه عملکرد نهاد مدرسه در فرایند تعلیم و تربیت در تعامل با امر به معروف و نهی از منکر: فرایند تعلیم و تربیت در تمام ساحات شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، علمی و فناورانه منطبق بر نظام معیار اسلامی تصور و اطلاق دارد. تربیت مقوله‌ای فراتر از آثار مقطعی و زودگذر شخصی بر شخص دیگر تلقی و مجموعه روش عملی گسترده‌تر از امر و نهی و پند و اندرزگویی یک سویه است. تحت چنین رویکرد جامع‌نگر به مساله تربیت، نظام آموزش و پرورش به عنوان کارگزار رسمی این مهم، باید از تمام امکانات خود سود جوید و تمهیدات لازم را برای برآورده شدن انتظارات تربیتی بکار گیرد. این رویکرد ناظر بر تمام عرصه‌ها و میدان عمل نهاد آموزش و پرورش از مرحله سیاست‌گذاری کلان و تعیین چشم‌انداز گرفته تا برنامه‌ریزی‌ها، تعیین محتوا درسی، مقررات و آیین‌نامه اجرایی و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی در مدرسه، است و هر یک به نوبه خود به محملی برای تحقق اهداف تربیتی مبدل می‌شوند (محسن پور، ۱۳۸۴، ص ۹۰). عملکرد مدرسه در نظام تربیتی در فرایند تعلیم و تربیت در سه حوزه و مؤلفه، نظام آموزشی (برنامه درسی)؛ روابط انسانی (معلم - دانش آموز، مدیر و مسئول مدرسه - دانش آموز، دانش آموزان با یکدیگر) و شرایط محیطی حاکم بر فضای مدرسه قابل تصور است.

الف. مؤلفه نظام آموزشی (برنامه درسی): دو ویژگی مهم در برنامه درسی به عنوان یک برنامه آموزشی باید وجود داشته باشد؛ نخست آنکه موضوع مورد آموزش در یک سازمان نظام مند پیگیری شود و اینکه هدف از ارائه برنامه، ایجاد یا اصلاح و بهبود طرز فکر و رفتار فراگیران و در نهایت ایجاد رفتار ثابت و درونی شده در آنها باشد (نیلی احمد آبادی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲). اهمیت این امر از آنجا جلوه می نماید که محصول و خروجی مدرسه (نیرو و سرمایه انسانی) به عنوان ورودی های سایر نظام ها و نهادهای اجتماعی (اعم از رسمی و غیررسمی) محسوب می شوند (جهانیان، ۱۳۸۷، ص ۱۵). باید در فراگیران این احساس نهادینه شود که هنگام آموزش و یادگیری، با علاقه ای خودجوش و با تمام ظرفیت گیرندگی خود باید وارد شوند (خاکی، ۱۳۹۰، ص ۴۲).

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، راهکارهایی در قالب برنامه های تربیتی پیش بینی شده است که خود می توانند زمینه ساز یا گاهی مصداق عینی امر به معروف و دارای کارکرد اجتماعی تلقی شوند و در کنار برنامه درسی و تدریس کلاسی، در قالب برنامه ها و فعالیت های گروهی در محیط مدرسه و سایر نهادهای فرهنگی و تربیتی مربوطه عملیاتی می شود. از جمله راهکارها در خصوص فعالیت های تربیتی و اجرایی مطروحه در این سند فرادستی عبارت است از:

۱. تدوین برنامه های عملیاتی لازم در راستای ترویج، تقویت مستمر و تحکیم فضایل اخلاقی در محیط های تربیتی با استفاده از تمام ظرفیت های آموزشی و تربیتی با تأکید بر اولویت کرامت و عزت نفس و شجاعت، حیا و عفت، صداقت، مسئولیت پذیری و نظم در تمام دوره های تحصیلی؛
۲. توسعه فرهنگ اقامه نماز و اهتمام به برپایی نماز جماعت در مدرسه و تقویت انس با قرآن و توسعه فرهنگ و سواد قرآنی، آشنایی با مفاهیم کلیدی قرآن و معارف قرآنی بر اساس منشور توسعه فرهنگ قرآنی؛
۳. ایجاد سازوکارهای ترویج و نهادینه سازی فرهنگ تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر، روحیه جهادی و انتظار «زمینه سازی برای استقرار دولت عدل مهدوی عج» با تأکید بر بهره گیری از ظرفیت حوزه های علمیه و نقش الگویی معلمان و اصلاح روش ها؛
۴. تعمیق تقوای الهی و مهارت خویشتن داری، انتخاب گری درست و تعالی بخش مستمر با استفاده از مناسبت ها و مراسم مذهبی و ملی؛
۵. تقویت ایمان، بصیرت دینی و باور به ارزش های انقلاب اسلامی و توانمندسازی مربیان و فراگیران

- با استفاده از ظرفیت برنامه‌های آموزشی و تربیتی آموزش و پرورش و حضور فعال و سازمان یافته دانش‌آموزان و مدارس در برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و انقلابی؛
۶. طبقه‌بندی و متناسب‌سازی مقولات و موضوعات تربیتی و اخلاقی با مراحل رشد و خصوصیات فراگیران و اهداف و نیازهای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و جامعه؛
۷. استانداردسازی و تدوین شاخص‌های کیفی برای ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مدارس؛
۸. برنامه‌ریزی به منظور اقعان فکری دانش‌آموزان برای پذیرش فرهنگ حیا، عفاف و حجاب مناسب؛
۹. تقویت شایستگی‌های حرفه‌ای و اعتقادی مربیان و فراهم کردن سازوکارهای اجرایی برای مشارکت فعال و مؤثر ایشان در برنامه‌های تربیتی و فعالیت‌های پرورشی مدارس؛
۱۰. ارائه خدمات مشاوره‌ای-تربیتی برای افزایش سلامت جسمی و روحی دانش‌آموزان؛
۱۱. طراحی و تدوین برنامه تعلیم و تربیت انعطاف‌پذیر، متناسب با ویژگی‌های شخصیتی و محیطی استعداد‌های گوناگون فراگیران به منظور شکوفایی استعدادهای خاص و افزایش کارآمدی و مفید بودن آن‌ها؛
۱۲. اصلاح، ارتقاء و تغییر نگرش به آموزش و پرورش به عنوان سازمان فراگیر و نیروی اثرگذار اجتماعی در خدمت اهداف رشد و تعالی کشور به ویژه اهداف فرهنگی و اجتماعی؛
۱۳. بسترسازی برای حضور فعال دانش‌آموزان در تشکلهای رسمی و قانونی با اتکاء به ظرفیت‌های آموزش و پرورش؛
۱۴. اصلاح و به روزآوری روش‌های تعلیم و تربیت با تأکید بر روش‌های فعال، گروهی و خلاق با توجه به نقش الگویی معلمان؛
۱۵. ایجاد شبکه پژوهشی فعال و فراگیر در درون ساختار نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با استفاده از فناوری‌های نوین و در قالب شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات؛
۱۶. استقرار نظام خلاقیت و نوآوری در آموزش و پرورش در راستای تربیت جامع و بالندگی معنوی و اخلاقی (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

ب. تعاملات و روابط انسانی در محیط مدرسه: در شرح وظایف معلمان بیان شده که از مهم‌ترین رسالت معلم این است که فراگیران را با مسائل اخلاقی، اجتماعی آشنا و آنان را ارشاد، نصیحت و مراقبت کنند

تا به انحرافات اخلاقی و کج روی دچار نشوند و از شیوع و گسترش رفتارهای فساد انگیز و بزهکارانه بازدارنده و مانع باشند (آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، ۱۳۷۷، ص ۷۷ و ۱۵۱). در خصوص صفات و احوال متعلم نیز چنین بیان شده است: «شایسته است فردی که درصدد آموختن دانش بر می آید، خویشتن را از اخلاق زشت و رفتارهای ناپسند پاک سازد. زیرا دانش، عبادت قلبی و نماز پنهانی است و همان که آدمی می تواند با آن به خدای خود تقرب پیدا کند» (فیض کاشانی، ۱۳۴۰، ص ۶۵). بدین ترتیب ضرورت نهی از منکر برای تحقق چنین تعاملاتی می تواند مصداقی از آثار پیشگیرانه رشدمدار در جامعه تلقی شود.

## بحث و نتیجه گیری

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان جزئی از مدل و الگوی اسلامی در پیشگیری اجتماعی قابل شناسایی و معرفی است. در میان انواع و گونه های پیشگیری، امر به معروف با وجود دارا بودن ظرفیت و سازه ها و مبادی در نظام عدالت کیفری و از جمله پیشگیری، هرچند شامل پیشگیری کیفری در قالب تعزیر و امثال آن نیز می شود اما در بسیاری از موارد نمایه غیرکیفری پیشگیری اسلامی را بیشتر جلوه گر می شود. در میان رایج ترین گونه پیشگیری غیرکیفری یعنی پیشگیری اجتماعی و وضعی نیز، برجستگی و جلوه های این نهاد در حوزه پیشگیری اجتماعی ظاهرتر و پررنگ تر است. البته موضوع یادشده مبتنی بر مفروضاتی پایه ای و ملتزم پذیرش و قائل شدن به آنها است. اول این که: در منظومه سیاست جنایی اسلام، نظام پیشگیری و کنترل اجتماعی (پیشگیری غیرکیفری) در کنار پیشگیری و عدالت کیفری و بلکه به عنوان سیاست اصولی و مقدم از حیث زمانی-نه رتبی آن قابل تعریف و شناسایی است. دوم: نظام پیشگیری و کنترل اسلامی از جرم، نه فقط یک نظام ایدئولوژیک بلکه مشتمل بر مبانی، مؤلفه ها و شاخص هایی است که نه تنها قابلیت رقابت با مدل های موجود و رایج پیشگیری در جرم شناسی علمی (مصطلح) را دارد بلکه به خاطر جامعیت و فراگیری و ترکیبی، مشارکتی و چند نهادی بودن و دربرداشتن مجموعه مؤلفه ها، تدابیر و سازوکارهای منحصر به فرد، قادر خواهد بود به عنوان نمونه کارآمد و دست برتر در بازار و کارزار نظریه پردازی جرم شناسی خود را به منصف ظهور برساند. سوم: در منظومه و نظام جرم شناسی اسلام، (با مرکزیت پیشگیری و کنترل جرم) در میان مجموعه تدابیر و سازوکارها (که در سه



ساحت و حوزه کلان اعتقادی، اخلاقیات و احکام قابل تقسیم است)، نظام‌واره امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نمونه و فرد اعلا قابل تصور و تصویر است.

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش در خصوص این که کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری اجتماعی کدام است؟ این پرسش به دو شق منقسم شد: در فاز اول کارکرد این نهاد در کلیت پیشگیری اجتماعی در قالب کارکردهای بنیادین در دو ساحت کلان فرهنگی و اجتماعی بررسی شد. در حوزه فرهنگ، امر به معروف و نهی از منکر به مثابه نمایه‌ای از جامعه برتر اسلامی و نیز در برد پایین، جامعه کوچک مؤمنین متبلور کارکرد نمادین، و به عنوان عنصر جدایی‌ناپذیر از هویت دینی و دین‌داری، کارکرد هویتی را تأمین می‌کند. در حوزه اجتماع، با رهیافتی جامعه‌شناختی، کارکردهای این نهاد به عنوان تابعی از کارکرد دینی (اسلام) و بلکه به مثابه فرد و نمونه اعلاء و منحصر به فرد با عناوین کارکرد انسجام‌بخشی، کارکرد امنیتی، کارکرد جامعه‌پذیری و کارکرد کنترلی تبیین شد.

خاطرنشان می‌شود که این پژوهش، مدعی احصاء تمام کارکردهای این نهاد نبود، بلکه تلاش کرد کارکردهای بنیادین و راهبردی این نهاد اجتماعی اسلام، از میان کارکردهای رایج و متداول احصائی برای دین و توابع آن در تعامل با حوزه پیشگیری اجتماعی و در مقایسه و مقارنه با آنها بیان شود. بدین ترتیب پس از تبیین کارکردهای بنیادین، در فاز بعدی کارکردهای این نهاد در انواع پیشگیری اجتماعی یعنی پیشگیری جامعه‌مدار و رشد‌مدار مورد کاوش قرار گرفت. اگرچه بررسی تمام زوایا و ابعاد آن در این پژوهش ممکن نیست، بنابراین ضرورت دارد این مهم، در پژوهشی مستقل مطالعه شود، با این وصف، به عنوان طرح بحث، در خصوص پیشگیری جامعه‌مدار، می‌توان گفت این نوع از پیشگیری اجتماعی، تمرکز مطالعاتی خود را بر روی محیط جرم و راهبرد پیشگیری را در تغییر شرایط و اصلاح محیطی بنا نهاده است. محیط جرم نیز از بعد محیط اجتماعی عمومی و کلان مدنظر است. مقصود از محیط اجتماعی کلان، سیاست‌های کلان اجتماعی اعم از سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. بنابراین از این رهگذر و منظر، پیشگیری جامعه‌مدار از یک سو با مقوله سیاست اجتماعی و سیاست‌گذاری مرتبط و از سوی دیگر به لحاظ رویکرد اصلاحی و توسعه‌ای بیشتر با پیشگیری توسعه اجتماعی و پیشگیری اصلاحی پیوند می‌خورد. اما در خصوص جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در این رویکرد پیشگیری، باید گفت امر به معروف و نهی از منکر از آن حیث که دارای ماهیت و کارکرد اصلاحی است در حقیقت

با راهبرد اصلاح با مقوله پیشرفت و توسعه به منظور تغییر محیط که در واقع رویکرد اصلی است که بنای پیشگیری اجتماعی براساس آن شکل گرفته است، پیوند می خورد.

در حیطه پیشگیری رشدمدار، امر به معروف و نهی از منکر از منظر تعامل با دو نهاد اصلی و کلیدی درگیر در فرایند پیشگیری زودرس و مداخلات رشدمدار یعنی نهاد خانواده و مدرسه مورد کاوش قرار گرفت. همچنین پیوند این نهاد با سایر مؤلفه‌ها و نهادهای مطروح در فرایند و مداخلات پیشگیرانه مبتنی بر دکتترین پیشگیری رشدمدار از جمله همسالان، رسانه و محله قابل توجه است که پژوهش دیگری را می طلبد. از حیث کارکردی نیز با تکیه بر کارکرد بنیادین تربیتی (تربیت اجتماعی) امر به معروف و نهی از منکر، کارکردهای این نهاد در قالب کارکرد تعلیمی و کارکرد تربیتی و پرورشی در خانواده و مدرسه را دارد که ابعاد مختلف آن مورد کاوش قرار گرفت.

## فهرست منابع

- آل طاهر، سیدهادی. (۱۳۷۷). نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از جرم. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی.
- اکبری، محمدرضا. (۱۳۸۷). حافظان حریم امر به معروف در عصر ما. قم: نشر مسجد مقدس جمکران.
- تقی پور، علیرضا. (۱۳۷۶). جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی ایران. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی. (۱۳۸۳). امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی. مجله فقه و حقوق، شماره ۱.
- رستمی، ولی. (۱۳۸۶). سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری. دانشگاه تهران.
- رشادتی، جعفر و زعفری، زیبا. (۱۳۸۸). امر به معروف و نهی از منکر و نقش پیشگیرانه آنها در وقوع جرم، ماهنامه قضاوت، شماره ۶۲.
- رشادتی، جعفر. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم در قرآن. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.
- روسک، جوزف و وران، زولند. (۱۳۶۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی. نبوی، بهروز و کریمی، احمد، مترجمان. چاپ اول. تهران: فروردین.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی. چاپ سوم. جلد اول. تهران: انتشارات کیهان.
- ساعد، محمدجعفر. (۱۳۸۶). تأملی بر کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر از منظر جرم‌شناسی پیشگیرانه. فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳۷.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۳). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی. چاپ دوم. تهران: آوای نور.
- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی کج‌روی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- شاطری پور، شهید. (۱۳۸۸). پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم در کنوانسیون پالرمو و مریدا. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. (۱۰)، صص ۸۷-۱۱۱.
- شرافتی پور، جعفر و عبدی، نرگس. (۱۳۸۶). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور. فصلنامه مطالعات اجتماعی،

شماره هشتم و نهم.

صدیقی اورعی، علیرضا. (۱۳۸۶). اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر. چاپ اول. قم: انتشارات دارالحدیث. طالبان، محمدرضا. (۱۳۷۶). مطالعه تطبیقی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر و نظارت اجتماعی. انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

غلامی، حسین. (۱۳۸۳). پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی. پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۱. فارغی، عبدالعلی و باقری، پرویز. (۱۳۹۰). نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از وقوع جرم در جامعه. مجموعه مقالات همایش علمی امر به معروف و نهی از منکر. جلد اول. قم: انتشارات پیام آزادی.

کامیابی، سلیمان. (۱۳۷۹). امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در پیشگیری از جرم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

محمدنسل، غلامرضا. (۱۳۸۷). پلیس و سیاست پیشگیری از جرم. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.

مظلومان، رضا. (۱۳۵۱). اثر آموزش و پرورش در بزهکاری. ماهنامه قضایی، شماره ۷۹.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. چاپ دهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مهدوی، محمود. (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم (رشدمدار). تهران: نشر سمت.